

وزارت فرهنگ
توانا بود هر که دانا بود



کتاب دوم دبستان

حق چاپ محفوظ است

سال ۱۳۳۵

توانا بود هر که دانا بود

وزارت فرهنگ

کتاب دوم ابتدائی



بنگاه مطبوعاتی سعادت

۱۳۲۹

چاپ مطبوعات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خسین روز درس

حدار اشکر کہ ہمہ ما بکلاس دؤم آمدہ ایم . در کلاس اول خواند
و نوشتن و کمی حساب یاد گرفتیم .

امسال کہ بکلاس دؤم آمدہ ایم خواہیم توانست بہتر بخوانیم

و بہتر بنویسیم و ہنرمای تازہ یاد بگیریم .

در این راہ انقدر کوشش خواہیم کرد تا آموزگار و مدر و مادر از خود خوشتر
کنیم .

- در کلاس اول چہ یاد گرفتید؟ - در کلاس دؤم چہ یاد خواہید گرفت؟ - کہ ایک از شما بتواند این درس را
راہ و بلند بخواند؟ - کی متواند سرود بخواند؟

۲- صفحه اول را شماره و بلند بخوانید.

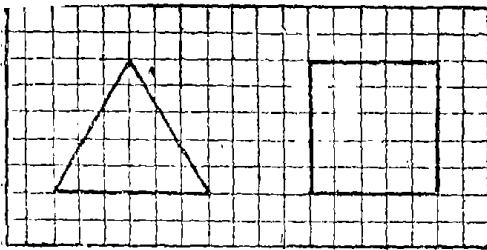
۳- این کلمه را پنج بار در دفتر خود بنویسید: خدارا شکر - خواندن - نوشتن

خواهیم توانست بهتر بنویسیم - بهتر بخوانیم - حساب کردن - هنرهای

تازه یاد بگیریم - آموزگار - پدر - مادر - خستود

۴- از روی این سطرده بار در دفتر خود بنویسید.

خدارا شکر که با بکلاس دوم آمدیم



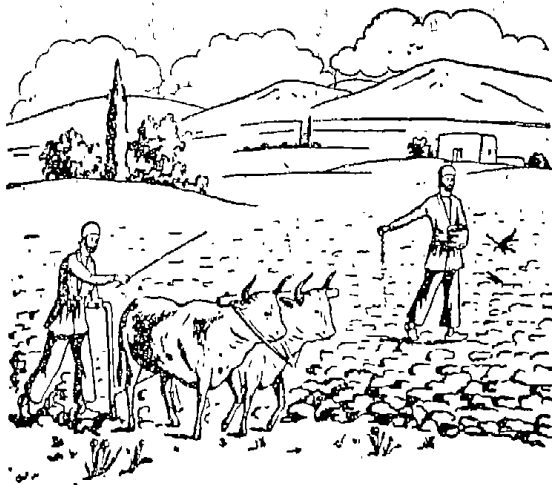
۵- این شکلها را بکشید.

گندم - ارد - نان

در فصل پاییز زمین را شخم میکنند و گندم میکارند.

نان خوب از گندم است.

(۱) - آموزگاران کلمات را با خط درشت و خوب روی تخته تباها خواهند نوشت.



بزرگران گندم میکارند
 تا نان مردم فراهم
 شود. بزرگران
 را دوست میداریم
 آیا متوانید بگویید

گندم در چه فصل میرسد و آزادرو میکند؟



دروگر گندم
 رسیده را با داس
 درو میکند.
 و همان^(۱) گندم

درو شده را خرمن میکنند و میگویند. پس از کوبیدن دانه های گندم

(۱) بزرگران

از گاه جدا میسازند .

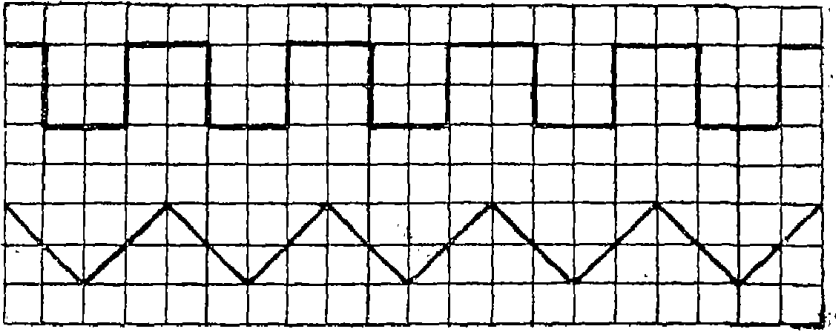
- سؤال ۱: در تصویر اول این درس چه می بینید؟ ۲- نام دو حیوان بزرگ که در این شکل است چیست؟ ۳- دنبال آنها کیست و در دشتهای او چیست؟ ۴- مرد دیگر که در سمت راست شکل دیده میشود چه میکند؟ ۵- در شکل یک خانه بهم هست و در دو طرف خانه چیست؟ ۶- چرا زمین زیر پای مردی که تخم میاشند ناصاف است؟ ۷- چنگا کوه می بینید؟ ۸- بالای کوهها چه دیده میشود؟ ۹- سنگهای اول و دوم این درس هر دو مال یک مزرعه میباشند بنویسید بگوئید چه فرق باهم دارند؟ ۱۰- در شکل اول زمین را شخم میکنند و تخم میاشند؛ در شکل دوم چه دیده میشود؟ ۱۱- آیا چیزی مانند داس در آسمان دیده اید؟
- تکلیف: از روی این کلمه با پنج بار در دفتر خود با خط خوب بنویسید (*).

فصل پانزدهم شخم میکنند گندم بزرگ در دهقان
سکارو دروگر خرمن میگویند

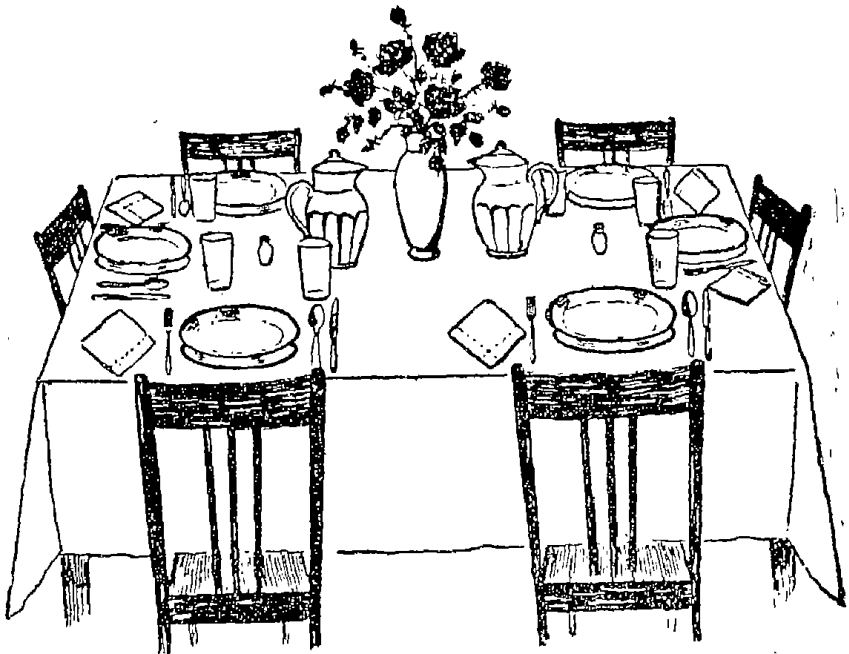
(* آموزگاران این کلمات را قبلاً با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسند .

(۶)

رسم : از روی این شکل‌های کاغذ شطرنجی بکشید



درس حساب



۱- باین شکل نگاه کنید - میزناهار خوری را اینطور باید چید - روی

میزچند بشفاب است؟ چندگیلاس آنجوری است؟ چندکارو؟
 چندچکال؟ چندقاشق؟ دورمیزچند صندلی است؟ - بر روی
 رومی میزچند کارو دو قاشق و چکال است؟ همه را روی یک
 برک کاغذ زیر هم بنویسید اینطور:

۱۲ بشفاب

۱۲ چکال

۲- پروردردستان کاغذی بنویسید نشان داد که رویش نوشته بود

۱۲ ۲۱ ۳۳ ۴۷ ۶۹ ۷۸

و گفت بخوان - منوچهر خواند: دوازده . بیت و یک .

چهل و هفت . نود و شش . هفتاد و هشت در خواندن چه

اشتباهی کرد؟

گندم - آرد - نان (بقیه)

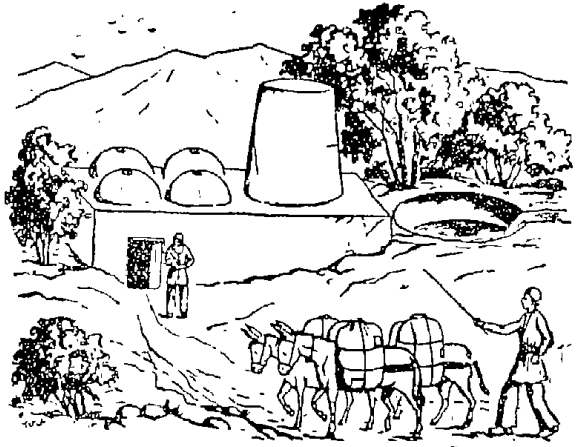
شهدی حسن آسیابان

ده ما است .

او کند همای مردم

را در آسیای خود آرد

می کند .



شهدی حسن با آنکه پیر است کار می کند . او زحمت می کشد و آرد خود

تهیه^(۱) می کند تا مانا ما خوب باشد . ماهم او را دوست میداریم و با او

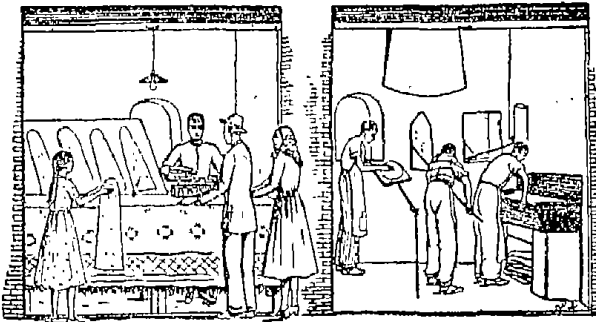
کوتاک می کنیم .

جلو خانه احمد یک دکان نانوائی است . در دکان نانوائی

آرد را خمیر می کنند و در تنور می پزند .

پهلوی دبستان ماهم یک دکان نانوائی هست . این دکان

(۱) - تهیه کردن به معنی فراهم کردن



چهار کار کردارد :
یکی خمیر میکند ، یکی
توزر را گرم میکند ،

یکی نان میسزد . چهارمی هم نان را میفروشد .

حالا میتوانید بگوئید چه کسانی کار میکنند تانانی که ما میخوریم فراهم شود؟

سؤال :

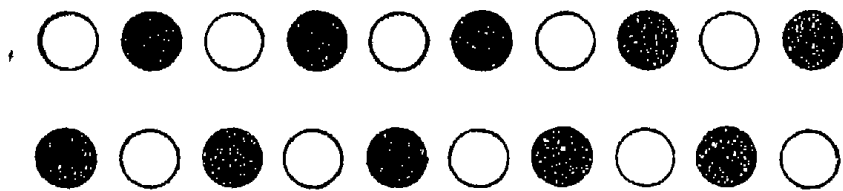
- ۱- در تصویر اول این درس چه می بینید؟ ۲- در پائین تصویر چند الاغ می بینید؟ ۳- گندم را کجا آرد میکنند؟ ۴- آن آدم ریش سفید که جلو در آسیا ایستاده است کی است؟ ۵- آب جوی آب در آن شکل می بینید؟ ۶- آب این جوی کجا میریزد؟ لابد میدانید که این آب برای چرخاندن سنگ آسیاب کار میرود و با چرخیدن سنگ آسیاب گندم آرد میشود .
- ۷- در سمت راست شکل دوم این درس چند کارگر کار میکنند؟ هر یک از آنها چه میکند؟ ۸- سمت چپ شکل چه قیمت از دکان نانوا می است؟ ۹- این دهنه که برای خریدن نان بدکان نانوا می برید یعنی آن دکان چند کار کردارد؟

تکلیف : از روی این جمله پانچ بار در دفتر خود خوب بنویسید (*)

(*) آموزگاران این جمله را با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسند .

گندم را آرد میکنند . آرد را خمیر میکنند . تنور را گرم میکنند .
خمیر را پهن میکنند و در تنور می‌پزند . نان می‌شود . نان را می‌فروشند

درس حساب



۱- در این شکل چند مهره است؟ - چند مهره سیاه و چند مهره سفید
است؟ - می‌بینید که میان هر دو مهره سیاه یک مهره سفید است

پس میان هر دو مهره سفید چه مهره‌ای خواهد بود؟

مهره‌های سفید و سیاه را یک در میان گذاشته ایم .

۲- در کلاس درس شما میز و نیمکتها را یک در میان گذاشته‌اند .

۳- از روی دفتر کلاس اسم شاگردان را یک در میان بخوانید .

۴- روزهای هفته از شنبه تا پنجشنبه را یک در میان نام ببرید .

۵- عدد نای از آ تا ۴۳ را بنویسید و آنها را یک در میان بنویسند

۶- عدد نای از ۱۱ تا ۲۷ را یک در میان بنویسید .

۷- عدد نای هر یک از این دو سطر چطور نوشته شده است ؟

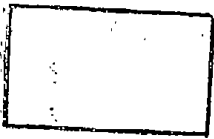
۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲
۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵

فریدون

غریز کوه دکان است	فریدون مهربان است
همیشه خوش زبان است	بزمی میزند حرف
فریدون در میان است	هر جا کوه کانتند
دانش خنده دان است	همیشه گرم و خوشروست
خودش یک پهلوان است	فریدون نیست ترسو
که خشنور در میان است	نمکگوید مگر راست

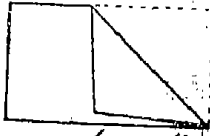
از روی این سرشک ده سطر بنویسید :

نمیکویم مکرر است



کار دستی : یک صفحه کاغذ را که باین شکل باشد

و بعد دو قسمت رویم افاده را



اینطور تا کنید



باقی از قسمت دیگر جدا کنید و تار را باز کنید این شکل

بدست خواهد آمد که از مربع میگویند .

برای خنده

روزی مادر حسن او را برای خریدن شیر بیازار فرستاد . حسن

طرف کوچکی برداشت و بمغازه شیر فروشی رفت و از شیر فروشی

یک کیلو شیر گا و خواست .

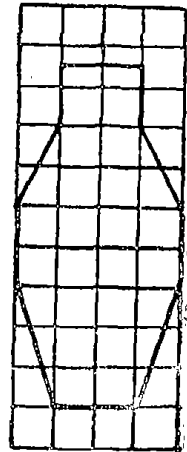
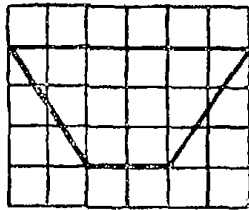
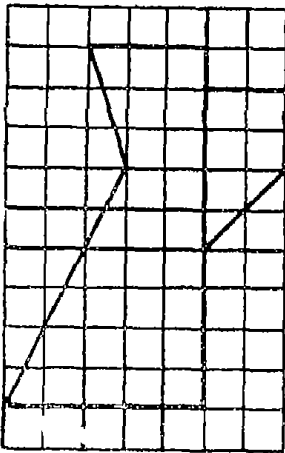
شیر فروش گفت این ظرف که آورده ای کوچک است و یک کیلو

شیر گا و نمیکرد .

حسن گفت پس یک کیلو شیر کوفته بدهید!

۱- سوال : مادر حسن اور برای چه بازار فرستاد؟ حسن چه با خود برد؟ شیر فروش با چه گفت؟ حسن چه فکر کرد که گفت بجای شیر کاو شیر کوفته بدهید؟ آیا فکر او درست بود؟
 ۲- وقتی که میخواهید از بازار شیر بخرید نباید طرف دهن گشاد مثل کاسه و بادیه بپرزیرا شیر مانند حرکت از کاسه بیرون میریزد؛ برای بردن شیر و خنجرهای آنگی طرف دهان تنگ مثل شردن دسو باید کار برد.

۳- از روی این شکلها روی کاغذ شطرنجی بکشید



درس حساب

- ۱- دست راست و پای چپ خود را بلند کنید.
- ۲- برای نوشتن قلم را بگردانم دست خود را بگیرد.
- ۳- در وقت راه رفتن دست چپ شما با پای راست حرکت

میکند و دست راست شما با پای چپ . راه بروید و ببینید آیا اینطوری
است ؟

۴- روی نیکتی که نشسته اید چند نفر طرف راست و چند نفر طرف
چپ شما نشسته اند ؟

۵- روی تختی در روی کاغذ خط فارسی را از طرف راست
بطرف چپ بنویسیم و حساب را از چپ بر راست - حالا بگوئید وقتی
روی تختی نیاید طرف راست تختی مقابل کدام دست شما میشود ؟

۶- این نقشه ایران است

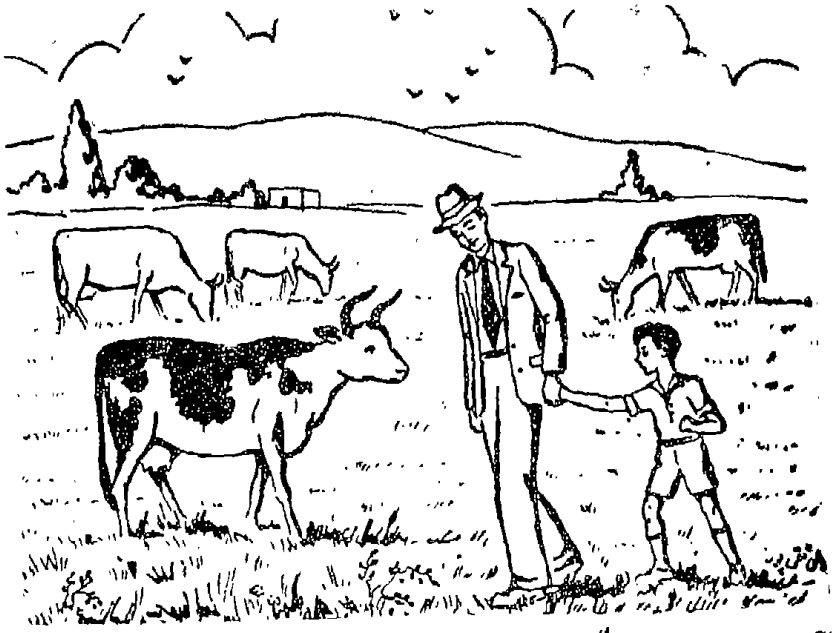


همدان در چپ این نقشه است

یا در طرف راست آن ؟

بیرجند در کجای نقشه

است ؟



گاو پر فایده است

پرویز - پدر جان! من از این گاو میترسم. شاخهای بلندش!
نگاه کن! چشمهایش را ببین! الان میخواهد با شاخ بزند!
پدر - پرویز جان نترس گاو حیوان نجیب و خوبی است، برای
ما بسیار فایده دارد.

پرویز - پدر جان گاو چه فایده لائی دارد؟

پدر - فایده های گاو بسیار است مثلاً گاو ماده شیر میدهد ، ناز
 شیرش کره میگیریم و ماست و پنیر و کشک هم درست میکنیم .
 پوست گاو چرم بسیاریم و از چرم کفش درست میکنیم . گوشت
 گاو را هم مردم میخورند . گاو نر هم برای شخم کردن زمین بکار
 میرود .

پرسش و تکلیف

۱- پرویز پدرش چه گفت ؟ گاو برای ما چه فایده دارد ؟ در شکل اول کتاب گاو ها چه میکنند ؟
 ماده بچه میدهد ؟

۲- روی شکل این درس نگاه کنید و آنچه می بینید تعریف کنید .

۳- این کلمه ها در جمله های یکبار روی تخته سیاه و پنج بار در دفتر خود بنویسید : (*)

کشک ، کره ، ماست ، پنیر ، روغن ، شیر و خامه را از شیر میگیرند

۴- از روی این سرشق ده بار بنویسید :

گاو ان و خران بار بردار به زاد میان مردم آزار

(*) آموزگاران کلمات را قبلاً با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسند .

درس حساب

۱- چیت متری ۱۳ ریال گرانتر است یا چیت متری ۱۵ ریال؟

۲- ۳۷ بزرگتر است یا ۷۳؟ - ۹۱ کوچکتر است یا ۸۲؟

۳- کدام کوچکتر است؟ | کدام بزرگتر است؟

۱۲	یا	۲۵	؟
۴۰	یا	۳۶	؟
۷۹	یا	۸۳	؟
۴۹	یا	۶۰	؟
۳۹	یا	۵۰	؟
۲۱	یا	۴۹	؟
۱۷	یا	۲۱	؟
۷۵	یا	۷۵	؟
۹۱	یا	۹۱	؟

۴- کلاس اول دبستانی ۳۲ شاگرد دارد و کلاس دوم آن ۴۱ شاگرد

و کلاس سومش ۲۹ شاگرد کدام کلاس از همه بیشتر و کدام از همه کمتر شاگرد دارد؟

۵- سهراب وزیر اهریک یک دفترچه ۴۰ برگی دارد سهراب ۲۵ صفحه

از دفترچه خود در نوشته است و زهر ۱۹ صفحه که بیشتر نوشته است؟ دفترچه کدام بیشتر

صفحه سفید دارد؟

۶- حسن و تقی اهریک ۱۲ شش نوشته بودند حسن ۲ شش دیگر یعنی ۵ شش دیگر نوشت حال که ۴۱ بیشتر نوشته

حیوانات زانیہ آزار کرو ^(۱۸)

ابوالقاسم بچہ امی بازگوش بود، و حیوانات را آزار میکرد.
ہر چند رو مادر و ہمسایگان اور از این کار باز میداشتند و نصیحت
میکردند گوش نمیداد.

روزی ابوالقاسم آہستہ از عقب سگ ہمسایہ آمد و دم
اور اکشید، سگ ناگهان پرید و پامی ابوالقاسم را دندان
گرفت و شدت زخم کرد، از این پیش آمد ابوالقاسم بیمار شد
و مدتی در رختخواب خوابید تا بهبود یافت، از آن پس توبہ کرد
کہ دیگر حیوانات آزار نرساند.

۱- ابوالقاسم بطور بچہ امی بود؟ مردم با ابوالقاسم چہ می گفتند؟ او با سگ چہ کرد؟
سگ با او چہ کرد؟

۲- این حکایت را بزبان سادہ خودتان بگوئید.

۳- این کلمہ بارہم پنج بار در دفتر خود بنویسید: ابوالحسن - عبدالقادر - عبدالحمین.

عبدالرحیم - اسدالله - فضل الله - عبدالعلی - عبدالرضا
 ابوالقاسم آزار میگردد (حالاً نمیکند) گوش بنصیحت
 میداد (حالاً میدهد) دُم شک را گرفت (حالاً نمیکرد)
 ایش روی خاکستر

مردی دانشمند در اطاق خود مشغول کتاب خواندن بود.
 شنید در میزنند؛ رفت در را باز کرد؛ دختر همسایه وارد شد و
 خواست. مرد گفت بیایر آنا از در چه خواهی ریخت؟
 ضبر کن طرفی بیاورم. دختر گفت راضی بر خمت شایتم؛
 میدانم چگونه ببرم.

دانشمند با کمال تعجب گفت بیستم چطور میری؟
 دختر قدری خاکستر در کف دست خود ریخت و چند گل
 روی خاکستر گذاشت و با ادب گفت: اینطور! و با روی

خندان خدا حافظی کرد و رفت .

۱- این کلمه را دوبار در دفتر خودتان بنویسید .

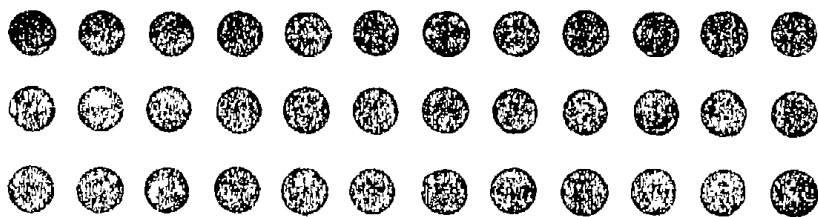
مرد دانشمند شعول صبرکن تعجب خدا حافظی

۲- سرشقی از روی این سرشقی دوبار با مداد بنویسید .

راضی برحمت شما

در حساب

۱- در این شکل چند مهر می بینید ؟



آنها را دو تا دو تا بشمارید و بانوک مداد نشان بدهید و بگویید :

۳ : ۴ ، ۶ ... یک دفعه هم آنها را سه تا سه تا بشمارید .

۲- از ۱۹ بشمارید تا به ارسید - از ۳۳ بشمارید تا به ۶ ارسید

از ۲۵ بشمارید تا ۱۰ . از ۲۶ بشمارید تا ۳۴

۳- صفحه های کتاب خودتانرا تا صفحه ۴۰ دو تا دو بشمارید

۴- منوچهر ۲۵ با دام داشت پس از آنکه ۷ با دام راداش

دانه شمرد باقی رادو تا دو تا شمرد- میوانید شما هم مثل او بشمارید؟

۵- بسنید از ۱۱ تا ۳۹ را یک در میان درست نوشته ایم؟

۱۱ ۱۳ ۱۵ ۱۹ ۲۱ ۲۵ ۲۷ ۳۰ ۳۳ ۳۴

دمان

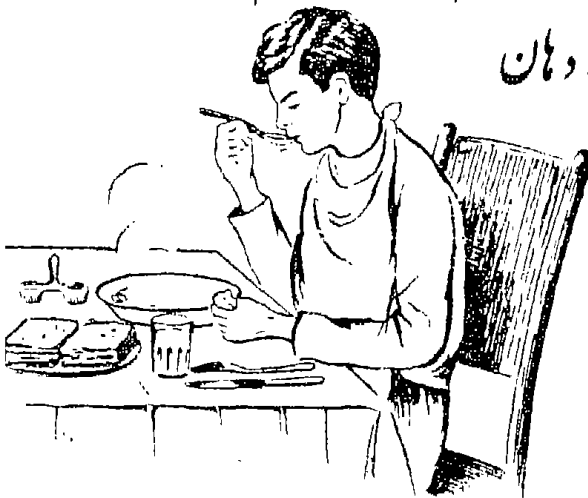
بابادمان خود غذا بخوریم و عرف نیز نیم شیرینی و پُرشنی

و شوری غذا را با دمان

و زبان حس میکنیم

غذا را باید در دمان

خوب جوید .



بچه‌هایی که غذا را با آرامی می‌جویند کمتر مریض می‌شوند.

فتح‌الله نادت داشت که غذا را تند بخورد و بهین سبب همیشه
لاغر و رنجور بود. یک روز دلش سخت درد گرفت مادرش

او را پیش طبیب برد طبیب با او داد و گفت چون فتح‌الله

تند غذا می‌خورد و هر چه می‌خورد خوب نمی‌جوید اینطور مریض می‌شود.

حالا باید چند روز این دوا را بخورد تا خوب شود.

فتح‌الله وقتی حالش خوب شد عهد کرد که دیگر غذا را نجویده

فرو نبرد و در خوردن غذا شتاب نکند.

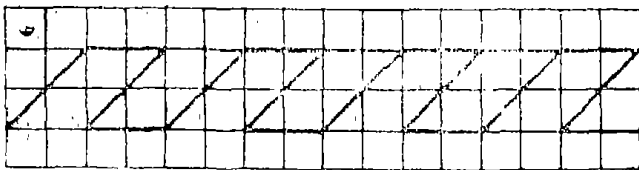
در موقع غذا خوردن دانه‌های بچه‌ها را با تربت صد نمیکنند و

غذا می‌جویند دانه‌های بزرگ‌تر پس از غذا خوردن دانه

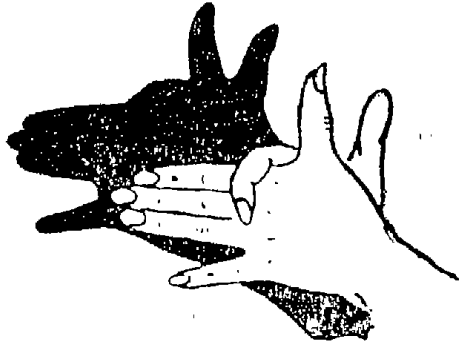
و دانه‌های خود را می‌شویند.

۱۱- باد دانه چه کار میکنیم؟
۱۲- مژه غذا را با چه حس میکنیم؟

- ۲- غذا را چگونه باید جوید؟ اگر غذا را نجویم چه میشود؟
- ۳- فتح الله چه عادت بدی داشت؟ چه طور غذا میخورد؟ چرا او را پیش طبیب بردند؟ طبیب چه گفت؟ با خود چه عهد کرد؟
- ۴- راست بایستید. شمرده حکایت فتح الله را با زبان ساده بگویند.
- ۵- کلمه های زیر را پنج بار با صدای بلند، روی خط بنویسید. دندان ها را بشوید و بعد همانطور بگذارید. نقطه ها را سر جای خودشان بگذارید:
- فتح الله . شیرین . ترش . شور . حس میکنیم . طبیب .
 پزشک . مریض . نمیشود . غذا خوردن
- ۶- دوبار درس را با خط خوب بنویسید. نقطه ها و دندان ها را در کشیدار دست سر جایشان بگذارید.
- ۷- رسم: از روی این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید.



- ۸- سرگرمی: شب با سایه دست خود شکل گزگک روی دیوار درست کنید:



درس حساب

- ۱- منوچهر ۷ مداد دارد و پرویز ۵ مداد کدام بیشتر دارند؟
- ۲- احمد ۱۰ ریال در فلک خود داشت ، امروز ۳ ریال دیگر در فلک خود ریخت ، حالا چند ریال در فلک اوست ؟
- ۳- ۱۳ ریال یعنی ۱۰ ریال و چند ریال ؟ ۱۰ با دام چند با دام میشود ۱۸ با دام ؟
- ۴- ۱۷ کرد و بیشتر است یا ۲۱ کردو ؟
- ۵- احمد ۱۰ ریال داشت ۱۰ ریال دیگر هم پدرش با داد
حالا چند ریال دارد ؟

۶- ۳۰ ریال چند ریال بیشتر از ۲۰ ریال است؟ ۵۰ و ۱۰۰

می‌شود چند؟ ۳۰ چند تا ۱۰ است؟ ۱۴ یعنی ۱۰ و چند؟

۴۱ یعنی ۱ و چند؟

۷- ۱۰ تا ۱۰۰ تا بشمارید تا ۱۰۰

دندان

فریاد و ناله پسری باهوش است. یک روز از پدر خود که

دندان‌ساز بود پرسید چگونه دندان بعضی از بچه‌ها درد می‌گیرد؟

آیا دندان‌شان را گرم می‌خورد؟ پدرش خندید و گفت درد دانه‌ها

گرم نیست و گرم دندان را نمی‌خورد اما بعضی از بچه‌ها خیال

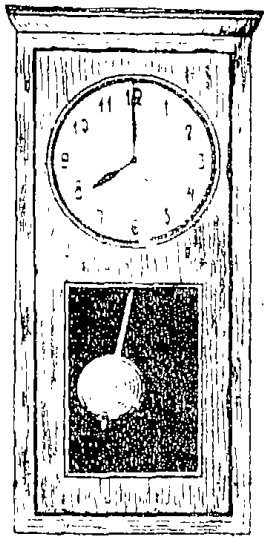
این را می‌کنند که با دندان کار قند شکن و چلش می‌شود کرد. این بچه‌ها با

دندان خود بادام و پسته و چیزهای سخت را می‌شکنند و دندان‌شان

ترک بر می‌دارد و کم‌کم فاسد و سیاه می‌شود و درد می‌گیرد؛ می‌گویند

که دندان کرم خورده است :
 اگر با غذای گرم آب بسیار سرد بنوشیم باز هم دندان فاسد شود
 و درد میگیرد .

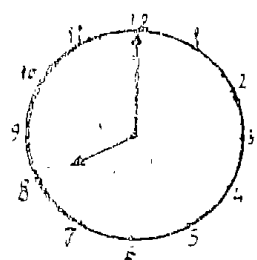
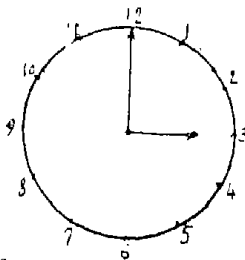
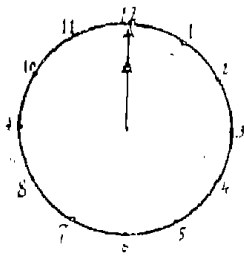
- سؤال : ۱- چرا دندان بعضی بچه ها درد میکند ؟
 ۲- آیا جای داغ و آب سرد باعث سردی می شود ؟ اگر بنوشید چه ضرر دارد ؟
 ۳- بادام دانه و فندق را با چه می کنند ؟
 از روی این سرمشق دوبار بنویسید :
- من پس از غذا دندانهایم را مسواک میکنم



درس حساب

- ۱- در خانه منوچهر یک ساعت
 بزرگ بدیوار آویخته است .
 یک روز منوچهر از مادرش پرسید
 ساعت چه فایده دارد ؟

مادرش جواب داد از روی ساعت وقت را معلوم میکنیم
 مثلاً پدرت باید ساعت ۸ بسر کار خود برود؛ تو هم باید ساعت
 ۸ در دبستان باشی؛ من باید برای ساعت ۱۲ که ظهر میشود
 غذا حاضر کنم؛ هر کس باید وقت کار خود را بداند. سوچهر
 پرسید؛ چطور از روی ساعت وقت را می فهمند؟ مادرش
 جواب داد؛ این دو عقربه را که می بینی یکی بلند تر و یکی کوتاه
 تر است؛ بهر وقت عقربه بلند روی عدد ۱۲ باشد اگر عقربه کوتاه
 روی عدد ۸ باشد ساعت ۸ است و اگر عقربه کوتاه روی ۲ باشد
 ساعت ۲ است و اگر عقربه کوتاه و هم روی ۱۲ باشد ساعت ۱۲ است

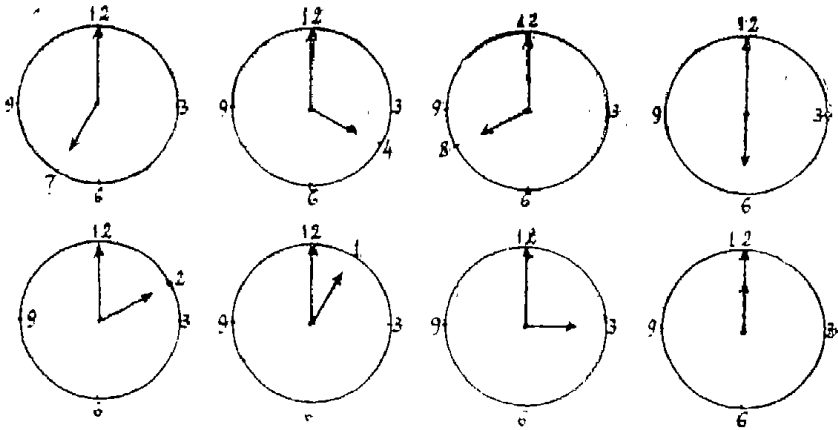


منوچهر گفت من در اینجا ۳ و ۸ و ۱۲ نمی‌شنیم.
 مادرش گفت پسر عزیزم اینها هم که روی صفحه ساعت نوشته شده
 عدد است اما چون ساعت را در ایران نساخته اند عدد های
 آنرا بفارسی ننوشتند حالا من بشمایم میدهم هر که ام چه عدد است
 در اینجا زیر هر یک از عدد های ساعت فارسی آن نوشته شده است
 خوب نگاه کن و بشناس :

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

۲- حالا اگر خوب عدد های ساعت را
 ساخته اید بگوئید هر یک از این ساعتها چه وقتی
 را نشان میدهد :



۳- حالا ساعت ۱ است چند ساعت بطرف یعنی ۱۲ مانده است؟

۴- حالا ساعت ۵ است چند ساعت بساعت ۱۰ مانده است؟

۵- شمار و بستان بیشتر درس بخوانید یا بیشتر تفریح میکنید؟

۶- ۲ ساعت بعد از ظهر زنگ کلاس را میزنند و ۴ بعد از ظهر

زنگ تعطیل را بعد از ظهر چند ساعت در بستان کار دارید؟

لقمان هر دو سواد

لقمان حکیم بسیار دانا بود. روزی از شهر خارج شد در یکی
را دید که در سایه درختی در کنار چشمه ای نشسته بود. آن شخص از لقمان

پرسید کی بٹہ میر سم؟ لقمان گفت راه برو۔ مرد گفت مگر
 نشنیدی؛ پرسیدم چند ساعت دیگر بٹہم خواہم رسید۔ باز
 لقمان جواب داد راه برو۔ آن شخص با خود اندیشید کہ این
 مرد یقین دیوانہ است دیگر کُنجی گفت و براہ افتاد چند قدم
 کہ دور شد لقمان باو گفت دو ساعت دیگر خواہی رسید۔ آن
 شخص برگشت و پرسید پس چرا اول جواب ندادی؟
 لقمان گفت چون راہ رفتن تو را ندیدہ بودم نمیدانستم
 میروی یا نمتد حالا کہ دیدم حساب کردم و دانستم تا دو ساع
 دیگر خواہی رسید۔

- ۱- سؤال: آن شخص از لقمان چه پرسید؟ لقمان چه جواب داد؟ آن شخص باز چه پرسید؟
 لقمان باز چه جواب داد؟ آن شخص چه اندیشید یعنی چه فکر کرد؟ دیگر حرفی نزد؟ پس چه کرد؟
 لقمان از عقب او چه گفت؟ چرا لقمان پس از رفتن او باو جواب داد؟
- ۲- حالا کتاب را بیند و حکایت را از زبان سادو بگوید۔

- ۳- ابن کله در پنج باره و قمر خود بنویسد
 حکیم . اندیشید (فکر کرد) . یقین . حساب کردم . عت
 ۴- از روی ابن سرشق بیت بار بنویسد :

مرد و انا حساب نکرده حرف نمیزند .

درس حساب

۱- اکبر در اطراف ۲ غلط داشت نمرة ۱۸ گرفت فریدون

بج غلط داشت نمرة ۲۰ گرفت نمرة دیکته جمشید ۱۵ و نمرة

دیکته کاوس ۱۷ است هر یک چند غلط نوشته اند؟

پروین ۷ غلط دارد چه نمرة امی خواهد گرفت؟

۲- ۵۳ بزرگتر است یا ۳۹ یا ۶۰؟ کدام کوچکتر است؟

۳- عدد نامی هر سطر را از کوچک بزرگ مرتب بنویسد :

۱۸ ۲۷ ۹ ۱۱

۵۱ ۸۰ ۱۳ ۴۵

۷۱ ۱۵ ۳۵ ۷ ۴۹